

سخنرانی آقای حسن داعی

برای من مایه افتخار است که در بزرگداشت قهرمانانی سخن بگویم که 26 سال پیش، پس از سالها شکنجه و درد، در کمال سرافرازی و در اوج مقاومت، به دار آویخته شدند. از برگزار کنندگان این برنامه سپاسگزارم که شرائطی فراهم آورده اند تا به این قهرمانان ادای احترام کنیم. همچنین سپاسگزارم که با تلاش زیاد قطعنامه شناسائی قتل عام بعنوان جنایت علیه بشریت را در پارلمان کانادا به تصویب برسانید. این کار بسیار مهمی است و امیدوارم که هموطنان در کشورهای دیگر از این تجربه استفاده کنند.

قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان 67، ادامه جنگ و ستیزی بود که خمینی و پیروانش از دهسال قبل از آن، از روز نخست ورود وی به ایران، علیه جامعه سیاسی و مدنی کشورمان شروع کرده بودند. در این سالها، گروههای سیاسی و صنفی تار و مار شدند، حقوق زنان و اقلیت های قومی و مذهبی سلب شدند، دانشگاهها به خاک و خون کشیده شدند و دهها هزار نفر از مخالفان رژیم، زندانی، شکنجه، آواره و بسیاری از آنان اعدام شدند.

در همه این سالهای سیاه رژیم با برگزاری نمایش انتخابات بین جناح های خودی، ادای دموکراسی هم در می آورد. یعنی رژیمی که برمبنای ولایت مطلقه فقیه بنا شده، ماسک دموکراسی و احترام به رأی مردم را نیز به چهره میزند. این است تفاوت داعش از نوع ولایت فقیه با داعش از نوع خلافت اسلامی.

این نمایشات، در خرداد 1376 به مدار جدیدی ارتقاء یافت. رژیم که پس از نزدیک به بیست سال سرکوب و کشتار مخالفان سیاسی، خیال آسوده تری پیدا کرده بود، برای کاهش فشارهای اجتماعی، محمد خاتمی را رئیس جمهور کرد و جناح خط امام که در زمان حیات خمینی، با کنترل سپاه، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه، پرچمدار جنگ، سرکوب و کشتار بود، به جناح اصلاح طلب نظام تبدیل شد و به مردم ایران که هنوز زخم های دوران سیاه را بر تن داشتند، پیام داده شد که کم هزینه ترین و تنها راه برای بهبود اوضاع کشور، شرکت در نمایشات انتخاباتی و امید بستن به جناح های حکومتی است.

صدالبته که سرکوب و اعدام از یکطرف و نمایش دموکراسی و وعده اصلاحات در نظام ولایت فقیه از طرف دیگر، دو روی یک سکه اند و هر دو اهداف یکسانی را دنبال میکنند. رژیم با سرکوب و اختناق، بدنبال درهم شکستن مقاومت و پایداری مردم در برابر رژیم است. از طرف دیگر، با نمایش انتخابات و وعده اصلاحات، تلاش میکند تا از مایوس شدن مردم و روی آوردن آنان به راه حل هایی که بدنبال تغییر رژیم اند و بر مخالفت و مبارزه با رژیم استوارند جلوگیری کند. یعنی، چوبه دار و وعده اصلاحات در نظام ولایت فقیه مکمل یکدیگرند.



این سیاست دوگانه، سال گذشته به مدار بالاتری ارتقاء یافت و یک مقام بلندپایه امنیتی نظام بعنوان رئیس جمهور به مردم ایران و جهانیان معرفی شد و مصیبت بارتر اینکه، جلاد قتل عام زندانیان سیاسی یعنی مصطفی پور محمدی وزیر دادگستری شد.

و لابد، مردم ایران نیز شایسته این رئیس جمهور و چنین وزرائی هستند. سال گذشته که وزیر خارجه کانادا انتخابات در ایران را قلابی خواند، در همین کانادا، دوستداران رژیم با امضای طومار، از وزیر خارجه حسابرسی کردند که چرا به انتخاب مردم ایران توهین کرده است. این است نظام ولایت فقیه که پس از سی و شش سال جنایت و ویرانی کامل ایران زمین، از مردم انتظار دارد که به قاتلان خود افتخار کنند.

رژیم و شبکه های خارج از کشوری اش و رسانه های همسو با آنان تلاش میکند تا فرهنگ ذلت و حقارت را بین ایرانیان جا بیندازد تا مردم، سقف خواسته هایشان را در چهارچوب نظام کاهش دهند و تنها راه نجات خود از جهنم آخوندی را امید بستن به خالقان و نگاهبانان این جهنم بدانند و آرام آرام، به نگاهبانان این جهنم اعتماد کرده و به آنها عشق بورزند. این، سقوط اخلاقی و درهم شکستن کرامت انسانی نزد ایرانیان است. دردناک ترین نمونه آن، زمانی است که یک زن ایرانی که بسیاری از حقوق انسانی اش توسط این نظام سلب شده، عکس حسن روحانی را با عشق و محبت می بوسد و وی را ناجی و مدافع خود می داند

پادزهر این فرهنگ ذلت، بزرگداشت زندانیان سیاسی و یاد دهها هزار قهرمانی است که در سخت ترین شرایط زندان، در برابر رژیم استقامت کرده و میکنند. و بهترین راه مبارزه با کارزرا فریب و دروغ رژیم و نمایشات اصلاح طلبی، بادآوری تاریخچه سیاه همه جناح های رژیم در سرکوب و جنایت بویژه کشتار زندانیان سیاسی است. زیرا آشکار شدن این گذشته سیاه، تمام لبخندهای دروغین آنها را محو و پاک میکند.

بی دلیل نیست که تا کنون، هیچیک از جناح های رژیم و مسئولان درجه اول حکومتی، هرگز در باره این گذشته تاریک لب نگشوده اند. تأکید روی جنایات گذشته رژیم و بزرگداشت قهرمانان مقاومت در برابر رژیم، یک نیاز ضروری برای مبارزات امروز ماست.

